

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز
۲۹ جون ۲۰۱۵

بشنو از نی چون حکایت می کند

یک خوش نویس (!) ؟ (آن قلم و طالب العلم نو تاریخ افغانستان) محترمه ملال موسی نظام ، ادعای می کند وقتی که وی متعلمه صنف دوم مکتب بود از چادری پوشیدن فامیل خود و در مجموع از این عنعنه کلتوری بسیار رنج می برد و همیشه در کنفرانس های مکتب از صنف دو یا سه مکتب مبارزه را علیه این عنعنه فرسوده شروع نمود و تا آن زمان ادامه داد که مرحوم ظاهر شاه فقید، مرحوم شهید داوودخان را وادار ساخت تا نهضت روی لچی را اعلان نماید. از برکت مبارزات قلمی آن قلم است که دوره سیاه طالبانی را با نوشته های انقلابی و مبارزات خستگی ناپذیر خود، آن دوره جهل و ضد ترقی ، ضد حقوق بشر، و ضد حقوق نسوان.... را ادامه داد تا سرانجام آن را سرنگون ساخت، همچنان از برکت مبارزه این خانم بزرگوار و طالب العلم بود که دوره سیاه جهادیهای پیشوری و ایرانی از بین رفت، و نهضت نسوان دوباره جان گرفت و منجر به آوردن بار دوم نهضت آزادی نسوان افغان گردید. اگر واقعیت همینطور باشد مبارزات آن قلم قابل تمجید است (کجا است خانم بهاء) که حقیقت را بگوید. ما باید به خاطر زحمات این شاگرد نو آموز تاریخ سر تعظیم خود را به آن قلم و طالب العلم فرود آوریم و هر آنچه که آن قلم و آن طالب العلم می نویسد باید بدون هیچ گونه تردید و چون و چرا قبول نمائیم.

خوانندگان گرامی!

آنانی که حوصله شنیدن حقایق و واقعیت های عینی و گذاشته کشور را ندارد، باید سفسطه بگوید، تا عقده های درونی خود را مرفوع سازد. این گونه اشخاص به خاطر کج بحثی می خواهند مسایل ملی را از مجرای اصلی به بیراهه بکشند و موضوعات اصلی را که باید بالای آنها تحقیق صورت گیرد، به طرف دیگر کشانده و به خاطر گریز از اصل موضوع، به موضوعات فرعی و بگومگو می پردازند.

اگر من از آن قلم و طالب العلم بپرسم ؟ که آیا این مامای شما آقای **صدیق فرهنگ** نبود که به **ببرک کارمل** تیوری دوران ساز دیکتاتوری پرولتاری مادل شوروی را در دوره اتحادیه محصلین پوهنتون و باز در دوران توقیف آنها در محبس دهمزنگ، در دوران صدارت مرحوم شهید داوودخان، در مغز ببرک کارمل پیچکاری کرد؟ بلی هموطن محترم این آقای **صدیق فرهنگ** بود که (**ببرک کارمل**) را به تیوری پرولتاریا مادل شوروی ملبس ساخت.

خانم مبارز و خوش نویس (آن قلم و طالب العلم)

آیا این ماماهاى شما هر یک **صدیق فرهنگ** و **سید قاسم ریشتیا** نبودند که در دوران به اصطلاح دیموکراسی ؟ **ببرک کارمل** را به ارگ رهنمائی نمودند. **صدیق فرهنگ** و **سید قاسم ریشتیا** می خواست به یک تیر دو کفر را شکار کند، به این معنی که:

اول نظر به پلانی که آنها داشتند، می خواستند بین فامیل سلطنتی احساس بی اعتمادی خلق نمایند و بعد از بی اتفاقی اعضای خاندانی، اهداف و پلان های شومی را که خود داشتند، عملی سازند؛ چنانچه آنها در این کار موفقانه به پیش رفتند. این دو برادر مکار به بسیار مهارت توانستند که ده سال دوره به اصطلاح دیموکراسی ؟ را به خاطر اهداف شوم خویش به همکاری جنرال بی دانش و بی خبر (جنرال عبدالولی) به نفع خود بچرخانند.

این دو برادر نظر به پالیسی انگلیس که اول تفرقه انداز باز حکومت کن، از تفرقه و بدبختی اعضای خاندان سلطنتی سوء استفاده نمودند که تا حال خاطرات آن ده سال و دوره از اذهان ما فراموش نگردیده است، این دو برادر ماجرا جوی در دوران اکثر صدراعظمان گاهی در این وزارت و گاهی در آن وزارت تقرر حاصل می نمودند. این دو برادر به بسیار زرنگی در دهه دیموکراسی ؟ توانستند که محمد هاشم میوندوال را به زانو در بیاورند.

عجیب است که امروز گروپ دو و نیم نفره مساوات، و فامیل **صدیق فرهنگ و ریشتیا** دست به هم داده و به ضد شهید معظم و وطن دوست مرحوم داوودخان تبلیغات سوء می نمایند. عجیب دنیا، عجیب اصول و عجیب مبارزه. این دو برادر به چی چال و فریب مرحوم **داکتر عبدالصمد حامد** را به این و آن نام در اذهان مردم و محصلین در قضیه خشک سالی و مصیبت طبیعی که عاید کشور و منطقه گردیده بود، چی جفنگ هائی نبود که در حق وی نگفتند. تا حال از یاد ما نرفته وقتی که محمد هاشم میوندوال خود را به کرسی ولسی جرگه از ولایت غزنی کاندید نمود، این دو برادر به چی مکر و حيله بازیها توانستند تا میوندوال رأی لازم به دست بیاورد، ولی به عکس ببرک کارمل، اناهیتراتب زاد، حفیظ الله امین، نور احمد نور و غیره و غیره عضویت ولسی جرگه (شورای ملی) را کسب نمودند. آیا در این گونه مسایل و موضوعات سیاسی و ملی کشوری دستهای مرئی عقبی وجود نداشت، البته که داشت؟ **آیا چوکی وزارت دفاع ملی حق مادر زاد و دایم العمر باجه برادر آن قلم و نویسنده خوش نویس، ستر جنرال دو سره و بی کفایت خان محمد خان بود، که تا زنده باشد وزیر دفاع ملی؟ باشد... بآن که پنج صدراعظم تغییر و تبدیل گردید، اما وی از جایش شور نخورد. فبای آلا ربکما تکذبان.**

خوانندگان محترم.

بلی باید امروز یک عده افراد استفاده جو که به آمدن نظام جمهوریت منافع و قرار دادهای مهم آنوقت وزارت دفاع را از دست داده خساره مند گردیدند باید به ضد نظام جمهوریت تبلیغات سوء نموده اگر و مگر بنویسند، حق دارد. ولی غافل از اینکه :

به هر رنگی که خواهی جامه میپوش من از طرز خرامت می شناسم

نمی دانم چرا آن قلم و طالب العلم پشت حزب پرچم را گرفته علت واضح است. وی به این اگر و مگر می خواهد در چشمان مردم خاک بپاشد و از اعمال ماجره جویانه ماماهاای پرچمزاده خود و از سوء استفادهای ناجایز باجه برادرش ستر جنرال خان محمدخان دو سره بکاهد و افکار خوانندگان را به طرف دیگر مصروف ساخته با نوشتن دروغهای شاخدار و بی بنیاد افکار خوانندگان را مغشوش سازد.

آیا این همان صدیق فرهنگ نیست که سر خود را از زیر بغل شاگرد خود، ببرک کارمل کشید و به حیث مشاور ارشد اقتصادی ریاست جمهوری زمان ببرک کارمل تقرر حاصل ننمود. بسیار مسخره و جای خنده است که این طالب العلم، تا به حال نمی داند که، توهین کردن حزب پرچم توهین به فامیل خودش است، هر که تف را بالا بیندازد پس به روی شان می افتد، امروز آن قلم و طالب العلم با چی دیده درائی از موجودیت دو صاحب منصب چپی در تحول ۲۶ سرطان تمام اعضای آن حرکت را پرچمی و کمونیست خطاب می نماید. این خانم مبارز و مدافع حقوق نسوان ؟ از نقش استادی و مشاوریت و پرچم بودن مامای خود (صدیق فرهنگ) یاد آوری نمی کند. چرا آن قلم از سوء استفاده های امین فرهنگ مشاور ظاهر شاه در روم- ایتالیا و بعد جاسوسی دبل رول به آقای حامد کرزی که تمام راز پادشاه فقید را به

حامد کرزی و استخبارات خارجی افشاء می کرد، و وی از برکت این جاسوسی و این وظیفه مقدس توسط استخبارات خارجی به مقام وزارت تجارت رسید.

که چا تله د انصاف پلاس کی در کره خپل ټټو او د بل اسپ به برابر کی.

باقی دارد

۱۵/۲۸/۶